

سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی

بررسی سوابق و عملکرد مراکز خدمات کشاورزی

قسمت چهارم

"سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی"، عنوان پروژه مطالعاتی هفتم از طرح یک است که از مجموعه پروژه‌های مطالعاتی ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران می‌باشد. این پروژه به بررسی نقش و عملکرد سازمانها و نهادهایی می‌پردازد که در امر توسعه روستایی دخالت دارند.

با توجه به مفصل بودن گزارش نهایی این پروژه تحقیقاتی، سعی گردیده تا در طی مجموعه مقالاتی که از محتوای این گزارش تلخیص می‌گردد، عموم علاقه‌مندان از نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه آگاه گردند. در قسمتهای قبلی این مقاله که در شماره‌های قبل به چاپ رسید، اقدامات و فعالیتهای جهاد سازندگی و جهاد دهستان مورد بررسی قرار گرفت. قسمت چهارم این نوشتار به بررسی "عملکرد مراکز خدمات کشاورزی" می‌پردازد.

لازم به ذکر است که مسئولیت انجام این طرح مطالعاتی (که در سال ۱۳۷۱ انجام گرفته است) بر عهده جناب آقای دکتر مصطفی ازکیا، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده است. ضمناً مقاله ذیل توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی تلخیص و تدوین گردیده است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● مقدمه

قبل و بخصوص بعد از انقلاب، ارگانها و سازمانهای گوناگونی جهت توسعه کشاورزی و عمران روستایی تشکیل شده و در مناطق روستایی اقدام به فعالیت نمودند. گرچه بررسی میزان توفیق و یا ناکامی هر یک از آنها در متحقق ساختن اهداف و برنامه‌های مورد نظرشان از بحث خارج است، لیکن واقعیهایی موجود در آنچه از عملکرد چند ساله ارگانها و مراکز دست‌اندرکار اجرای توسعه روستایی مشاهده می‌شود، حاکی از این است که هر یک، به دلایلی، به برآورد رسانده‌اند؛ چنانکه نمی‌توان از الگوهای یادکرده که بتواند به تهابی رفع چنین نیازهایی و حل موانع و مضامات

● چگونگی شکل‌گیری و تفکرات اولیه

یکی از طبعی‌جهایی که برای توسعه روستایی پس از انقلاب اسلامی به مرحله اجرا درآمده است، الگوی مراکز خدمات است. با این حال گفتنی است که طرح چنین الگویی، ابتدا به ساکن صورت نگرفته است، بلکه مدتها قبل نیز در برنامه‌های توسعه روستایی رژیم گذشته از اجرای الگوهای کم و بیش مشابه و از تشکیل چنین مراکزی سخن به میان آمده بود. در این راستا، اولین سندی که در آن نوعی از مراکز خدماتی به صورت خدمات‌رسانی در زمینه‌های مختلف (به‌شماره) آمده (شماره) کشاورزی و ...

روستا و توسعه روستایی را در خود داشته باشد. هر یک از الگوها و برنامه‌های به کار گرفته شده، دچار نارساییهای خاصی بوده و هستند.

بنابراین، آنچه که باید در برنامه‌ریزی و تدوین الگوی صحیح و مناسب توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد، کنکاش و جستجوی ریشه ناکامی الگوهای پیشین است.

گزارشی که در زیر می‌آید، به منظور بررسی اهداف، عملکرد و نارساییهای یکی از ارگانهای اجرایی توسعه روستایی یعنی "مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری" تهیه شده است.

روستاها ارائه شده است، به سال ۱۳۵۱ برمی‌گردد. این سند گزارشی است که مهندسین مشاور ست کوپ با همکاری مهندسین مشاور پارتیا در باب توسعه استان خراسان تهیه کرده‌اند که شامل ۲۴ جلد است. در جلد سوم از این سری گزارشها با توجه به اوضاع اقتصادی، جغرافیایی، کشاورزی، اجتماعی و جمعیتی استان، با عنوان "عمرانی که پیشنهاد می‌شود" از نوعی مراکز درجه ۲ یا ۳ یاد می‌کند که هر یک از این مراکز دارای ویژگی و شعاع عملکرد خاصی برای خدمات رسانی به روستاهای منطقه هستند.

این الگو که در بسیاری جهات با طرح مراکز خدمات عمرانی در هند شباهت دارد، بعدها توسط بسیاری از برنامه‌ریزان مسائل توسعه روستایی و مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به ارائه طرحی در زمینه عمران روستایی انجامید که با عنوان "جامعه روستایی و خط مشی اجرایی آن" در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. این طرح برای اجرا در ۱۱ مورد نمونه‌ای، در مناطق مختلف ایران پیشنهاد شده است.

در همین سالها نیز مطالعاتی در هشت منطقه روستایی ایران، توسط مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با الهام از طرح مطالعاتی و عمرانی مهندسین مشاور ستیران صورت گرفت که اساس این مطالعات بر انتخاب دهستانهای نمونه در هر منطقه بود و در نهایت راه‌حلهای عمرانی و توسعه‌ای در چارچوب مناطق دهستانهای مطالعه شده نیز ارائه شد. بسته مسوالات طرح‌های عمرانی مذکور، کارشناسان و متخصصین امور کشاورزی، وزارت کشاورزی نیز به منظور رفع دشواریها و مسائل کشاورزی مملکت، طرح‌هایی ارائه کردند. از میان این طرحها، طرحی است با عنوان "مراکز خدمات کشاورزی در صورت انحلال شرکتهای سهامی زراعی" که به سال ۱۳۵۷ توسط وزارت کشاورزی انتشار یافت است.

با توجه به مطالعات فوق، ملاحظه می‌شود

که الگوی مراکز خدمات در رژیم گذشته نیز مورد تأکید بوده است و در صورت بقای آن رژیم به صورت طرح ملی به اجرا درمی‌آمد. با این حال، بعد از انقلاب است که الگوی مراکز خدمات پذیرفته شده و در سراسر کشور به اجرا درآمده است.

پس از پیروزی انقلاب و با توجه به ناکامی سیاستهای اجرایی در بخش کشاورزی قبل از انقلاب، فکر ایجاد مراکز خدمات روستایی، به عنوان سیاست قاطع و مشخصی در جهت ترمیم خرابیها و سروسامان دادن به وضع تولیدات کشور مورد ملاحظه قرار گرفت.

در این راستا، وزارت کشاورزی و عمران روستایی گزارش توجیهی با عنوان "اهداف و سیاستهای برنامه تشکیل و فعالیتهای مراکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری" تهیه کرد و لایحه قانونی تشکیل این مراکز در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۳/۱۴ شورای انقلاب مورد تصویب قرار گرفت. براساس تبصره ۵ این لایحه، وزارت کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه موظف شدند آیین نامه اجرایی آن را به طور مشترک تهیه نمایند. آیین نامه اجرایی تهیه شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۳ از تصویب هیأت وزیران گذشت و طی آن، ابجد این مراکز به وزارت کشاورزی و عمران روستایی محول شد.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند تشکیل رسمی مراکز خدمات از این تاریخ (۱۳۶۰/۴/۳) به بعد شروع شده، لیکن قبل از این تاریخ نیز یک سری مراکز با همین عنوان تشکیل شده بود؛ با این تفاوت که به طور عمده تغییر نام یافته شرکتهای سهامی زراعی رژیم سابق بودند. در این رابطه، می‌توان از ۵ مورد مراکز خدمات فعلی دشت مغان یاد کرد که از انحلال و ادغام ۹ شرکت سهامی زراعی آن منطقه در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ تشکیل و کار خود را آغاز کرد.

در مورد شرکتها اولیه و بهترین زمینه تشکیل گیری مراکز خدمات، لازم به تأکید است

که این امر در رابطه با برخی از نظریه‌ها و تجربیات توسعه روستایی بین‌المللی مطابقت و هماهنگی داشته است.

● توزیع و پراکنش مراکز خدمات و روند تشکیل آن در سطح شهرستان و دهستان

قبلاً گفته شد که ایجاد مراکز خدمات از تیرماه ۱۳۶۰ رسمیت قانونی یافت و قرار بر این شد که در راستای تقویت و توسعه کشاورزی طبق برنامه، یک سری مراکز خدماتی در دهستانها و همچنین شهرستانها تشکیل شود.

بر این اساس، برنامه زمانی تشکیل مراکز خدمات دهستان و شهرستان در سطح روستاهای کشور طبق جدول (۱) پیش بینی شد.

بر این اساس قرار شد که در کل کشور در حدود ۱۶۰۰ مرکز خدمات دهستان تشکیل شود و برنامه تشکیل آنها تا آخر سال ۱۳۶۵ خاتمه یابد و همینطور تشکیل مراکز خدمات شهرستان به تعداد حدوداً ۱۶۵ مرکز، تا آخر سال ۱۳۶۷ خاتمه یابد.

با این وجود در فاصله زمانی سال ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۶۴، تعداد ۱۲۸ مرکز خدمات شهرستان و ۶۷۷ مرکز خدمات دهستان در سطح کشور تشکیل شد. علاوه بر این در سال ۱۳۶۷ با ایجاد ۸ مرکز خدمات روستایی شهرستان و ۵۷ مرکز خدمات روستایی دهستان موافقت شد و تا سال ۱۳۶۸ تعداد ۱۳۶ مرکز خدمات شهرستان و تعداد ۷۲۸ مرکز خدمات دهستان در سطح کشور تأسیس شد.

سالهای ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ دوران رونق فعالیت و گسترش مراکز خدمات بود که در طی این دوران، میزان اعتبارات دولتی این استان را به وجود آورد که این مراکز بتوانند پروژه‌های متعددی در زیربخشهای مختلف کشاورزی را به اجرا درآورند. ولی از سال ۱۳۶۴ به بعد فعالیت مراکز خدمات روندی

رکودی داشته است.

● مکانیزم برنامه‌ریزی و طراحی امور کشاورزی

بر اساس آیین نامه مراکز خدماتی در هر مرکز دهستان، یک واحد اجرایی و برنامه‌ریزی مستقل وجود دارد که با تفکر و مشارکت و حضور مستمر مردم (اعضای شوراها) و نمایندگان دولت ترکیب می‌یابد.

به عبارت دیگر، روند و چگونگی برنامه‌ریزی در واحد دهستان چنین است که ابتدا تقاضای کشاورزان به شورای اسلامی ده و سپس شورای اسلامی دهستان ارائه می‌شود که موضوع درخواستی در این شوراها از نظر ضرورت، اولویت، هماهنگی با بافت مجموعه و واکنشهای اقتصادی و اجتماعی تحت بررسی قرار گرفته و سپس در مرکز خدمات روستایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و پس از آن به صورت طرح عمرانی و پروژه اجرایی تهیه و تنظیم می‌شود.

به طور کلی، مراحل طرح عمرانی تا مرحله اجرا و بهره‌برداری به قرار زیر است:

۱) **مرحله تهیه طرح:** بر اساس آیین‌نامه مراکز خدمات، پس از آنکه نیاز به صورت "تقاضا" در شورای اسلامی ده و دهستان مورد بررسی قرار گرفت، به مرکز خدمات دهستان ارائه و تهیه طرح آغاز می‌شود. در این مرحله، پس از انجام مطالعات و بررسیهای فنی، اقتصادی، اجتماعی و اجرایی طرح عمرانی تهیه و سپس با انجام محاسبات و برآورد مقادیر کار و مشخصات اجرایی و نقشه‌های لازم، پروژه‌های اجرایی نیز تنظیم می‌شود.

۲) **مرحله تصویب طرح:** سپس طرح تهیه شده به مرکز خدمات شهرستان ارسال می‌شود و در آنجا مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تطبیق با سیاستهای کلی کشاورزی به ستاد مراکز خدمات استان ارجاع و سپس جهت تصویب به وزارت کشاورزی و وزارت برنامه و بودجه، ارسال می‌شود. طرح عمرانی ارسالی پس از تصویب در وزارت کشاورزی و

وزارت برنامه و بودجه (سازمان برنامه و بودجه) به مرکز خدمات شهرستان ارجاع می‌شود.

۳) **مرحله اجرای طرح:** این مرحله شامل پیاده کردن نقشه، تهیه مصالح و لوازم و تجهیزات، تأمین نیروی انسانی، تدارک ماشین‌آلات، تأسیس سرمایه و اعتبار لازم و بالاخره مدیریت است.

۴) **مرحله نظارت فیزیکی:** در این مرحله، بر پیشرفت فیزیکی پروژه نظارت به عمل می‌آید و به محض بروز آثار و علائم توقف یا رکود، موضوع به طور جدی تحت بررسی قرار گرفته تا رفع اشکال شود.

۵) **مرحله نظارت فنی اجرای طرح:** در این مرحله، نسبت به کیفیت کار و تطابق عملیات با مشخصات و نقشه‌های اجرایی، نظارت به عمل می‌آید، به طوری که طرح و پروژه از کیفیت مطلوبی نیز برخوردار باشد. لیکن از آنجا که مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص در رشته‌های گوناگون مجهز نشده‌اند، طرحهای عمرانی و پروژه‌های اجرایی در مراکز خدمات شهرستان تهیه می‌شود.

● ویسژکیهای مدیریتی، اداری و نیروی انسانی در مراکز خدمات روستایی

در باب مدیریت و اداره مراکز خدمات باید گفت به رغم تلاشهایی که مراکز خدمات روستایی در جهت کوتاه ساختن جریان خدمات رسانی به روستاها به عمل آورده‌اند، چون که این مراکز از اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری کافی برخوردار نیستند، لذا امر خدمات رسانی به روستاها نیز نتوانسته است از عوارض و پیامدهای ناشی از بوروکراسی و تشریفات اداری دور بماند.

مراکز خدمات روستایی که مهمترین علت استقرار آن در سطح دهستان، تحقق طرح عدم تمرکز قدرت و حذف کنترل ادارات مرکزی برای توزیع امکانات و منابع خدماتی و در

نهایت تفویض اختیارات و حق تصمیم‌گیری در رده‌های پایین‌تر بوده است، فاقد اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری است و در مقابل وظایف و مسئولیتهای محوله از اختیار کافی برخوردار نیستند.

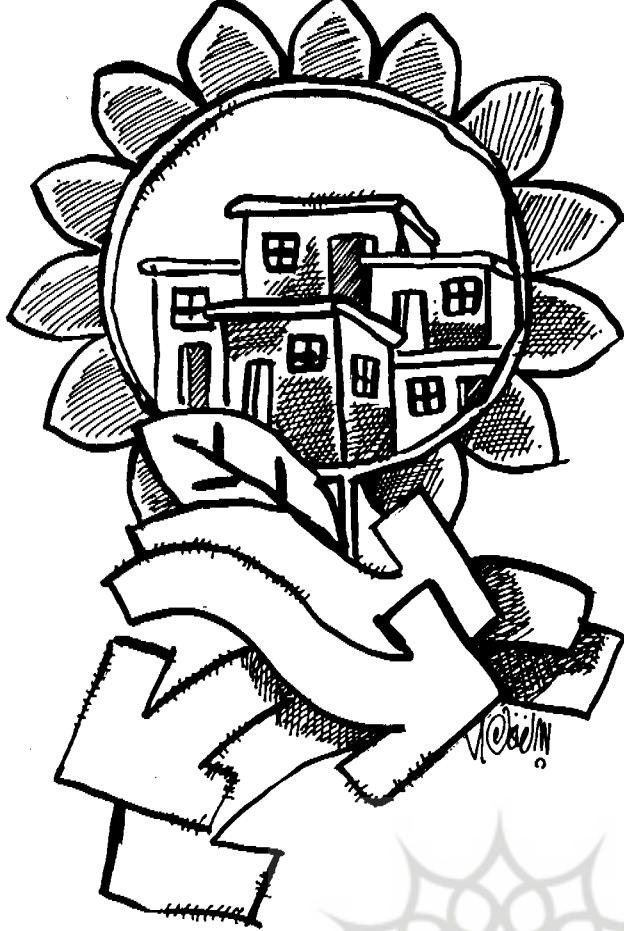
تمرکز اختیارات در وزارت کشاورزی قدرت تصمیم‌گیری را در مراکز خدمات روستایی کاهش داده است. برنامه‌ها و دستورالعملها و روشهای کار بر اساس تجارب و اطلاعات محدود و غیرکافی عده‌ای در وزارت کشاورزی تنظیم شده و آنچه که از وزارتخانه ابلاغ می‌شود، فرصتی برای بروز ابتکارات و خلاقیت مسئولین مراکز خدمات باقی نگذاشته و امکان تصمیم‌گیری به موقع و انجام کار در زمان لازم را از آنها سلب نموده است.

طرحهای عمرانی که براساس نیازهای موجود در دهستان تهیه و جهت تصویب به رده‌های بالاتر ارسال می‌شود، در مواردی به رغم تصمیم‌گیریهایی انجام شده در سطح دهستان در وزارت کشاورزی تصویب نشده و یا تغییر می‌یابد. همچنین مسیر طولانی رفت و برگشت طرحهای عمرانی و ابلاغ نکردن به موقع اعتبار طرحهای تصویب شده، امکان تصمیم‌گیری به موقع را از مراکز خدمات دهستان سلب کرده است.

در طرح اصلی تشکیل مراکز خدمات روستایی آمده است که:

"کارکنان مراکز خدمات روستایی از میان افراد مستعد، مسئول و متخصص واجد شرایط، ترجیحاً بومی و داوطلب ... انتخاب و در این مراکز مستقر می‌شوند؛ تا با زندگی در روستاها آشنا بوده و مسائل و مشکلات آنها را از نزدیک لمس نموده و به عرضه خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فنی اقدام نمایند."

از سوی دیگر، بر اساس آنچه که آیین نامه مربوطه پیش بینی شده بود، حداقل نیروی انسانی مورد نیاز برای تجهیز اولیه هر مرکز خدمات دهستان، عبارت است از: تکنسین یا



کارشناس در یکی از رشته‌های زراعت، باغبانی، دامپروری، دامپزشکی، جنگل و مرتع، ماشین‌آلات کشاورزی، گیاه پزشکی و همچنین تکنسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های خدمات زیربنایی و تأسیسات و سایر رشته‌های متناسب و مرتبط با شرایط و نیازهای منطقه.

اما مطالعات انجام شده در مناطق مختلف کشور حاکی از آن است که مراکز خدمات دهستان به حداقل نیروی انسانی مورد نیاز مجهز نشده‌اند. در ضمن نیروی انسانی موجود از نقطه نظرهای کمی و کیفی، متناسب با شرایط منطقه‌ای توزیع نشده و بین قلمرو فعالیت و میزان محرومیت با کمیت و کیفیت نیروی انسانی موجود در مراکز خدمات رابطه منطقی وجود ندارد.

از نقطه نظر کیفی نیز نیروی انسانی موجود، متناسب با شرایط منطقه‌ای توزیع نشده و نیروی انسانی متخصص اکثراً جذب مناطق پیشرفته شده‌اند. در این خصوص می‌توان به جذب تعداد زیادی کارشناس در مناطق شمالی کشور اشاره نمود.

از سوی دیگر، گرچه در طرح اصلی توصیه شده که حتی المقدور نیروی انسانی مراکز خدمات دهستان بومی بوده تا قادر به سکونت در مراکز دهستان باشند و از این طریق، بتوانند به عمق مسائل و مشکلات روستایی پی برده و چاره جویی نمایند، ولی مطالعات انجام شده در مناطق مختلف کشور حاکی از آن است که اکثر نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات دهستانها بومی نبوده و به دلیل فراهم نبودن امکانات رفاهی در مراکز دهستانها و پایین بودن سطح حقوق نسبت به سایر بخشها، بیشتر خارج از محدوده دهستان سکونت دارند. به عنوان مثال ۹۰ درصد نیروی انسانی مراکز خدمات روستایی شهرستان جیرفت، غیربومی و خارج از قلمرو دهستان زندگی می‌کنند و در شهرستان بابل نیز ۵۰ درصد نیروی انسانی شاغل در مراکز

خدمات دهستان در مراکز شهرستانها سکونت دارند.

● اثرات و فعالیتهای مراکز خدمات در امور کشاورزی

قبلاً گفته شد که هدف از تشکیل مراکز خدمات روستایی، فراهم آوردن زمینه بهبود و توسعه کشاورزی و حفظ منابع طبیعی به صورت جامع در درون نظامهای بهره‌برداری منطقه مورد عمل می‌باشد.

مهمترین وظایف و اهداف این مراکز عبارت‌اند از: توسعه فعالیتهای کشاورزی از طریق ارائه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی و ...، تهیه و تجهیز و توزیع لوازم و وسایل و نهاده‌های کشاورزی و دامی و ارائه تسهیلات و خدمات بازرگانی. در این بخش از مقاله به صورت بسیار فشرده و اجمالی، اقدامات و فعالیتهای انجام شده توسط مراکز خدمات در زیربخشهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. شرح مبسوط این فعالیتهای با استناد به حاصل مطالعات و ارزشیابیهای

انجام شده توسط وزارت کشاورزی در مناطق مختلف کشور در گزارش نهایی پروژه "ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران" آمده است.

الف) زیربخش آب و خاک

شناسایی دقیق عوامل تولید نظیر آب و خاک و استفاده اصولی و علمی از این عوامل با توجه به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق روستایی از اهداف کاری مراکز خدمات می‌باشد. در این راستا، فعالیتهای و اقداماتی به مرحله اجرا درآمده است که به شرح زیر می‌باشد:

- احداث شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی، دیواره‌های ساحلی، سیل‌بندها، سیل‌برگردانها و سد‌های خاکی.
- تعمیر و لایروبی و احیاء قنوات، آب‌بندان، استخرهای ذخیره و چشمه‌ها.
- احداث ایستگاههای پمپاژ، تأسیسات آبرسانی، حفر چاه، کانالهای آبرسانی و غیره.
- مرمت و اصلاح شبکه‌های سنتی و مدرن آبیاری و آبرسانی.

● ترانس بندی، کشت نباتات علوفه‌ای و بوته‌های مرتعی برای جلوگیری از فرسایش خاک.

● اصلاح اراضی از طریق شبکه‌های زهکشی.

علیرغم اجرای پروژه‌های وسیعی از این نوع در مناطق مختلف کشور، باید یادآور شد که اولاً، پروژه‌های اجرا شده بیشتر موردی و مقطعی بوده و برای حل نیازهای فوری دهات محروم در قلمرو مراکز خدمات تدارک دیده شده است، ولی ویژگی‌های طرحهای جامع آب و خاک را ندارد. زیرا این گونه طرحها فراتر از قلمرو سیاسی تقسیمات کشوری عمل کرده و یک حوزه آبریز را در برمی‌گیرد. ثانیاً، اجرای برخی از پروژه‌های فوق‌الذکر در سطح بسیار محدود از اراضی کشور انجام گرفته است.

ب) زیربخش زراعت

اهداف مراکز خدمات کشاورزی در زیربخش زراعت عبارت می‌باشند از:

● افزایش بازده محصولات در واحد سطح و افزایش سطح زیر کشت.

● تأمین علوفه و مواد اولیه خوراک دام و تأمین مواد خام کشاورزی مورد نیاز بخش صنعت.

● تقویت نظامهای بهره‌برداری، متناسب با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

● آشنا کردن کشاورزان با شیوه‌های نوین کشاورزی.

● حفظ محصولات کشاورزی از آفات و بیماریها.

● کاربرد اصولی کودهای شیمیایی و احداث انبار جهت ذخیره سازی و توزیع کود در مناطق روستایی.

برای رسیدن به اهداف مراکز خدمات کشاورزی که در بالا گفته شد، باید فعالیت و اقداماتی انجام گیرد. این اقدامات عبارتند از:

● راهنمایی کشاورزان در زمینه‌های آماده سازی زمین، آیش گذاری، آبیاری صحیح، ذخیره سازی رطوبت در زمین، شخم،

سمپاشی و غیره.

● ایجاد مزارع نمونه آزمایشی.

● آموزش کشاورزان برای بذرگیری از واریته‌های اصلاح شده محصولات زراعی.

● بازدید از مزارع و باغات و ارائه آموزش و راهنمایی کشاورزان در به کارگیری روشهای نوین کشاورزی.

● وارد کردن کشت برخی از محصولات نظیر سیب‌زمینی، پیاز، ذرت علوفه‌ای و یونجه در تناوب زراعی برخی از مناطق روستایی.

● راهنمایی و آموزش کشاورزان در به کارگیری اصولی از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی.

● آموزش کشاورزان در زمینه‌های دفع آفات و بیماریهای گیاهی، هرس، مبارزه با علفهای هرز، ضدعفونی کردن بذور و غیره.

در یک نتیجه‌گیری کلی از فعالیتهای انجام شده در بخش زراعت، می‌توان گفت که موارد انجام شده بیشتر جنبه موردی و حاشیه‌ای داشته و تأثیر آن در دگرگون سازی بخش زراعت مناطق مورد مطالعه ناچیز و اندک بوده است.

ج) زیربخش دام و طیور

اهداف مراکز خدمات روستایی در زیربخش دام و طیور، تهیه و اجرای طرحهایی مؤثر است تا بتواند کشور را در دراز مدت از واردات گوشت قرمز بی‌نیاز سازد. وظایف و مسئولیتهای مراکز خدمات روستایی در زیربخش دام و طیور به شرح زیر بوده است:

● ایجاد و تجهیز کلینیکهای دامپزشکی و پستهای ثابت و سیار دامپزشکی جهت مبارزه و کنترل بیماریهای دام و طیور.

● بهبود شرایط زیست دام و طیور از هر جهت.

● تهیه و اجرای پروژه‌های اصلاح نژاد دام و طیور

● اجرای طرحهای منطقه‌ای بهبود نژادهای محلی و تکثیر نژادهای بومی.

● ایجاد سیلوهای ذخیره علوفه و خوراک دام

و تهیه و تأمین و توزیع نهاده‌های مربوط به فعالیت‌های دامداری، پرورش طیور و زنبورداری.

از مهمترین اقداماتی که در زیربخش دام و طیور تا قبل از سال ۱۳۶۹ توسط مراکز خدمات روستایی انجام گرفته، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- تأمین آب بهداشتی شرب دامها.

۲- واکسیناسیون احشام و احداث حمامهای ضدکنه و ضدعفونی دام.

۳- تلاش در جهت ریشه‌کن ساختن بیماریهای مشترک انسان و دام.

۴- آموزش روستاییان در زمینه‌های شناخت بیماریها، تزریقات دام، سمپاشی اصطبلها، روش مصرف داروهای مختلف دام و ایجاد سیلوهای ذخیره علوفه.

۵- تأمین علوفه زمستانه مورد نیاز دامداران

۶- تشویق دامداران به تکثیر دامهای اصلاح شده.

د) زیربخش مکانیزاسیون

از اهداف مراکز خدمات کشاورزی در مورد مکانیزاسیون، کمک به تهیه، تأمین و عرضه ماشین‌آلات و ادوات مورد نیاز یا توجه به عرضه و تقاضای نیروی انسانی و لزوم کاربرد مکانیزاسیون در منطقه، همراه با فراهم ساختن امکانات تعمیر و تکنسین ماشین‌آلات و برآورد تعداد و انواع ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز منطقه با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و خاک و سایر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فنی منطقه است.

مهمترین اقدامات مراکز خدمات کشاورزی در زیربخش مکانیزاسیون عبارتند از:

● معرفی ماشینهای مناسب برای منطقه، توزیع عادلانه ماشینها و قطعات یدکی آنها و آموزش کشاورزان در جهت کاربرد بهتر ماشین‌آلات.

● انتقال تکنولوژی مکانیزاسیون از طریق اعمال سیاست و نگهداری ماشینها و ابزار و

ادوات کشاورزی به استفاده کنندگان با استعدادتر و نیازمندتر.

ه) زیربخش جنگل و مرتع

قبل از تصویب و اجرای "قانون تفکیک وظایف"، مراکز خدمات روستایی اقداماتی را در جهت اصلاح، احیا و توسعه مراتع و جنگلها در مناطق روستایی انجام داده که مهمترین آنها عبارتند از:

- ایجاد نهالستانهای تولید بذر و تهیه و توزیع درختان جنگلی.
- ترویج نحوه بهره‌برداری صحیح از مراتع.
- تهیه و توزیع بذر نباتات مرتعی.
- تبدیل دیمزارهای کم‌بازده به مرتع.

و) زیربخش شیلات و آبیاری

در این زیربخش اقدامات قابل ملاحظه‌ای از سوی مراکز خدمات به عمل نیامده و صرفاً در چند منطقه به طور بسیار محدود، خدماتی از قبیل توزیع بچه‌ماهی و تأمین نهاده‌های مورد نیاز و غذای مکمل ماهی انجام گرفته است.

ز) زیربخش تعاون و بازرگانی

طبق آیین نامه اجرایی مراکز خدمات، شرکتهای تعاونی روستایی و بانک کشاورزی به مثابه بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات محسوب شده‌اند. ولی نتایج مطالعات انجام شده در مناطق مختلف حاکی از آن است که همکاری میان شرکتهای تعاونی و مراکز خدمات فقط در زمینه توزیع نهاده‌های کشاورزی است و در زمینه‌های نظارت در توزیع و نحوه مصرف نهاده‌ها، اقدامات بسیار کمی از سوی مراکز خدمات صورت می‌گیرد. در زمینه خرید محصولات کشاورزی توسط شرکتهای تعاونی، باید گفت که به جز محصولات مشخصی نظیر گندم و برنج، تعاونیها نقش چندانی در بازاریابی و خرید محصول ندارند و با توجه به فقدان کارایی بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات،

واسطه‌ها، دلالها و سلف‌خرها از گروههای صاحب نفوذ اقتصادی در مناطق مختلف به شمار می‌روند که در زمینه اعطای وام، سلف‌خری و خرید نهایی محصولات روستاییان نقش فعالی دارند.

نقش مراکز خدمات کشاورزی در زمینه ترویج و آموزش کشاورزی و ارائه نوآوریهای کشاورزی

تشکیل مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری در مراکز تولید روستایی و تأمین نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان، نمی‌تواند مسائل، مشکلات و نیازهای آنها را به تنهایی حل و رفع نماید؛ بلکه توسعه کشاورزی زمانی تحقق می‌یابد که همراه با اقدامات فوق به امر "آموزش روستاییان" نیز توجه کافی گردد. لذا یکی از اهداف مراکز خدمات، ارائه و اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف می‌باشد تا از این طریق دانش و مهارت حرفه‌ای روستاییان را ارتقاء بخشد. برنامه‌های آموزشی در مراکز خدمات کشاورزی در سه عرصه ذیل مورد توجه می‌باشد:

الف) آموزش کارکنان مراکز خدمات (اعم از نیروهای فنی و اداری)
ب) آموزش مهارتهای فنی و حرفه‌ای روستاییان
ج) آموزش روستاییان و عشایر در زمینه مسائل و مشکلات کشاورزی تا از این طریق بتوانند:
اولاً، نیازهای خود را تشخیص دهند.
ثانیاً، با اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر و مناسب، دانش و بینش آنها افزایش یابد و در نتیجه، اجرای برنامه‌های کشاورزی و دامی عملی شود.

در یک نتیجه‌گیری کلی در زمینه آموزش روستاییان در مراکز خدمات کشاورزی، می‌توان گفت که این فعالیتها و برنامه‌ها روند خاصی را دنبال نمی‌کند. تنها زمینه‌ای که تقریباً به طور مشترک در کلیه مراکز دنبال

شناسایی دقیق عوامل تولید نظیر آب و خاک و استفاده اصولی و علمی از این عوامل با توجه به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق روستایی از اهداف کاری مراکز خدمات می‌باشد.

از نقطه نظر کیفی، نیروی انسانی موجود، متناسب با شرایط منطقه‌ای، توزیع نشده‌اند و نیروی انسانی متخصص اکثراً جذب مناطق پیشرفته شده‌اند. در این خصوص می‌توان به جذب تعداد زیادی کارشناس در مناطق شمالی کشور اشاره کرد.

با توجه به فقدان کارایی بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات، واسطه‌ها، دلالها و سلف‌خرها از گروههای صاحب نفوذ اقتصادی در مناطق مختلف به شمار می‌روند که در زمینه اعطای وام، سلف‌خری و خرید نهایی محصولات روستاییان نقش فعالی دارند.

خدمات آمده است که به لحاظ ضرورت رعایت هماهنگی در ارائه خدمات به روستاییان و عشایر، وزارتخانه‌های نیرو، راه و ترابری، آموزش و پرورش، بهداشتی و بهزیستی و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط دولتی مکلفند در مناطقی که این مراکز تشکیل می‌شود فعالیتها و برنامه‌های مربوط به روستاییان را با همکاری این مراکز برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا درآورند. با وجود این بند، امور مربوط به روستاییان و عشایر یکپارچه شده و از یک مجرا انجام می‌گرفت و مراکز خدمات تنها متولی روستاییان و عشایر کشور می‌شدند. اما تداخل وظایف برخی وزارتخانه‌ها (به طور عمده جهاد سازندگی و کشاورزی) و چندگانگی تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاستهای مختلف در امور کشاورزی و دامی موجب سرگردانی روستاییان، دوباره‌کاری و اتلاف منابع مالی و انسانی شده است.

۲) طبق ماده ۵۷ آیین نامه مراکز خدمات (یکپارچه سازی و تسریع در امر تخصیص و توزیع اعتبارات عمرانی) مرکز دهستان، شعبه یا نمایندگی بانک کشاورزی به عنوان تنها منبع تأمین و توزیع اعتبارات وامی و کمکهای بلاعوض دولتی برای امور کشاورزی، روستایی و عشایر است.

برای رسیدن به اهداف مورد نظر می‌بایست در کنار هر یک از مراکز خدمات دهستان، شعبه‌ای از بانک کشاورزی تأسیس می‌شد. لیکن واقعیتهای موجود نشان می‌دهد که در اکثر مراکز خدمات نه تنها از وجود شعبه بانک کشاورزی خبری نیست، بلکه یکپارچگی در توزیع اعتبارات نیز تحقق نیافته است.

۳) آیین نامه اجرایی در ماده ۱۳، مراکز خدمات دهستان را هسته برنامه‌ریزی، تحقیقی معرفی می‌کند که برنامه‌های لازم را براساس نیازها و اولویتهای تنظیمی شوراهای اسلامی خدمات ده و دهستان، تهیه و به شورای شهرستان و مراکز خدمات شهرستان پیشنهاد می‌نماید. در حالی که عملاً چنین



مراکز تحقیقاتی است. در زمینه ترویج نوآوریهای کشاورزی مناطق روستایی این نکته را باید گفت که روستاییان در مقابل ارائه روشهای نوین و به کارگیری لوازم و ادوات جدید و نهاده‌های کشاورزی مراکز خدمات نه تنها مقاومت منفی از خود نشان نمی‌دهند، بلکه اشتیاق فراوانی از خود نشان می‌دهند و طرز تلقی آنها در برخورد با نوآوریها بسیار مثبت است. مثلاً به کارگیری روشهای نوین کشاورزی در میان دهقانان مرفه ۹۸/۵۹ درصد، در میان دهقانان متوسط ۹۶/۳۷ درصد و در میان دهقانان خرده‌پا ۹۰ درصد گزارش شده است.

خلاصه اینکه، روستاییان نسبت به تغییرات زیربنایی و نهادی توسط مراکز خدمات کشاورزی عکس‌العمل منفی نداشته و اگر مراکز خدمات کشاورزی بتوانند مسائل و مشکلات منطقه‌ای را حل و فصل نموده و در جهت رفع نیازهای روستاییان گامهای مؤثری بردارند، آنها مشتاقانه در این زمینه عکس‌العمل مثبت نشان داده و فعالانه در این برنامه‌ها، مشارکت خواهند نمود.

● تطبیق عملکرد مراکز خدمات با اهداف سیاستهای اولیه

۱) در تبصره ۳ لایحه قانونی مراکز



می‌شود، نحوه استفاده از نهاده‌های کشاورزی از قبیل کود و سموم شیمیایی است.

آموزشهای ارائه شده به روستاییان از نظر مسئولین مراکز خدمات در ۶۰ درصد مراکز خدمات دهستان "خوب" توصیف شده و در ۴۰ درصد "متوسط و ضعیف" قلمداد شده است.

در زمینه ترویج کشاورزی، نقش مراکز خدمات کشاورزی چندان چشمگیر و پررنگ نبوده است. یکی از مهمترین موانع در این زمینه، عدم وجود مراکز و نهادهای تحقیقاتی در مناطق مختلف است؛ به گونه‌ای که بتواند راه‌حل مسائل و مشکلات و نارساییهای گوناگون کشاورزی را به مراکز خدمات منتقل نماید.

نکته مهم دیگر در این زمینه، ارتباط ضعیف و ناچیز میان مراکز خدمات و نهادها و

نبوده و روال برنامه‌ریزی این گونه طی نشده است و تحقیقات و برنامه‌ریزیها در شهرستان و استان صورت گرفته و جهت اجرا به مراکز دهستان ابلاغ می‌شود. در ضمن مرکز خدمات دهستان مکانی برای محققین و برنامه‌ریزان و ماندگاری آنها نمی‌باشد.

۴) در آیین نامه اجرایی مراکز خدمات آمده است که نیازهای روستاییان توسط اهالی هر روستا به شورای اسلامی آنان اعلام و توسط شورای اسلامی به مرکز خدمات دهستان ارسال شود، لیکن مطالعات نشان می‌دهد که عملاً این روال اجرا نمی‌شود و این خود روستاییان هستند که با مراجعه به مراکز خدمات دهستان، نیازهای خویش را به آنها اعلام و کسب تکلیف می‌کنند.

۵) طبق ماده ۲۶ و ۲۷ آیین نامه اجرایی، مراکز خدمات دهستان موظفند که با به کارگیری طرق لازم، سطح اراضی زیر کشت آبی را توسعه و گسترش دهند و بر بهره‌وری کشت دیمی بیفزایند. طبق نتایج تحقیقات مراکز خدمات دهستان شهرستانهای گلپایگان و خوانسار باید گفت که افزایش سطح زیر کشت در این مناطق بسیار ناچیز بوده و افزایش سالانه سطح زیر کشت از ۱/۰ درصد تجاوز نکرده است.

۶) بر طبق گزارش توجیهی وزارت کشاورزی و عمران روستایی در رابطه با اهداف و سیاستهای برنامه تشکیل و فعالیتهای مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری قرار بود که تشکیل مراکز خدمات دهستان به تعداد حدوداً ۱۶۰۰ مرکز تا پایان سال ۱۳۶۵ خاتمه یابد و این در حالی است که هنوز نصف این تعداد تاکنون تشکیل نشده است (تا پایان سال ۱۳۶۸). علاوه بر این از تعداد ۷۲۷ مرکز تشکیل شده تا اول سال ۱۳۶۵، ۶۷۷ مورد آنها تشکیل شده بود و از آن تاریخ تا سال ۱۳۶۸ تنها ۵۰ مرکز خدمات دهستان ایجاد شده است. همینطور در آن گزارش اعلام شده بود که تشکیل مراکز خدمات شهرستان به تعداد ۱۶۵ مرکز تا آخر



سال ۱۳۶۷ خاتمه خواهد یافت. در حالی که تا به حال تنها ۱۳۵ مرکز خدمات تشکیل شده است.

۷) طبق ماده ۵۱ آیین نامه اجرایی مراکز خدمات، پایه و واحد برنامه‌ریزی کشاورزی روستایی و عشایری ده می‌باشد و این واحد به عنوان یک واحد اقتصادی - اجتماعی شناخته شده است. مدیریت تولیدی، فنی و اقتصادی ده بر عهده شورای اسلامی ده است. وظایف و مسئولیتهای سنگینی که در آیین نامه برای شوراهای اسلامی ده و دهستان پیش بینی شده نشانگر آن است که تدوین کنندگان آیین نامه از تواناییهای جامعه روستایی تصور واقع بینانه‌ای نداشته‌اند و وظایف و مسئولیتهایی را بر عهده شوراهای ده و دهستان گذاشته‌اند که در حد توان این شورا نمی‌باشد. فراهم نمودن این امکان برای روستاییان که بتوانند در اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش دخالت داشته باشند بسیار باارزش است، البته مشروط بر آنکه شرایط تحقق چنین سیاستی در جامعه وجود داشته باشد.

● موانع و مشکلات موجود بر سر راه فعالیت مراکز خدمات

مسائل و موانع عمده‌ای وجود دارد که



موجب پایین آمدن کارایی و نامطلوب شدن فعالیت کارکنان و ارائه خدمات مراکز می‌شود. این مسائل بیشتر در خود مراکز خدمات مطرح هستند و اساساً در مشکلات مالی، حقوقی، مهارتی، تسهیلاتی، سازمان و غیره خلاصه می‌شوند که موارد ذیل از آن جمله‌اند:

- نبودن دقت کافی در انتخاب و گزینش نیروی انسانی لازم و متخصص به ویژه برای کادراهای رهبری مراکز خدمات و گماردن نیروهای کم تجربه و قراردادی به ویژه در رأس مراکز خدمات دهستان.

- چند پیشگی، نداشتن پست سازمانی و فقدان شرح وظایف کارکنان مراکز خدمات دهستان موجب شده است که کارکنان مراکز خدمات نتوانند تجربیات و مهارتهای شفلی لازم را به نحو مطلوب کسب نمایند و نسبت به وظایف محوله احساس مسئولیت کنند.

- پایین بودن سطح حقوق و مزایای کارکنان بخش کشاورزی نسبت به کارکنان سایر بخشها و عدم پرداخت بموقع و کامل آن، انگیزه شغلی، میزان رضامندی شغلی کارکنان مراکز خدمات روستایی را کاهش داده است.

- فقدان توانایی مراکز خدمات در گرفتن اعتبار مورد نیاز، مراکز خدمات را در اجرای طرحهای عمرانی با دشواریهایی مواجه ساخته و موجب شده که مراکز خدمات به امور غیر آموزشی، ترویجی و فعالیتهای اداری کشیده شوند.

- کمبود وسیله نقلیه، امکان سرکشی مستمر به روستاهای حوزه عمل و خدمات رسانی به روستاها را با دشواری مواجه ساخته است.

- کمبود تأسیسات لازم مثل انبار، لابراتوار دامپزشکی، فروشگاه، منازل مسکونی، تعمیرگاه، دفتر کار و غیره در برخی از مراکز خدمات دهستان.

- تداخل وظایف میان جهاد سازندگی و مراکز خدمات وجود دارد به صورتی که هر دو سازمان قبل از سال ۱۳۷۰، با توجه به سیاستهای خود مستقل از یکدیگر و نیز به موازات هم وظایف مشابهی را انجام می دادند و فقط در شورای نشست، نمایندگان جهاد و مراکز خدمات حضور داشتند. این امر موجب تداخل وظایف و مسئولیتهای می گردید.

چند کاناله بودن جریان توزیع نهادههای کشاورزی، ابزار و ادوات کشاورزی، آموزش و نحوه مصرف و کاربرد آنها توسط سازمانهای موازی موجب ناهماهنگی در امر خدمات رسانی و طولانی شدن مسیر آن برای روستاییان می گردید.

- کشیده شدن خط مشی مراکز خدمات به امور آموزشی و ترویجی نقش این مراکز را در رفع مسائل و مشکلات اساسی کشاورزی کاهش داده است.

- بی توجهی به آیین نامه اجرایی، کمبود پرسنل متخصص، کمبود پرسنل آموزش دیده،

نبودن مدیران باتجربه و تبعیض در بین کارکنان، تعدد مراکز تصمیم گیری و اجرایی در روستاها، کمبود و دیر حواله شدن اعتبارات، از جمله مشکلات مراکز خدمات می باشند.

- کمبود وسایل نقلیه و کهنه بودن وسایل موجود، کمبود وسایل یدکی، کمبود ادوات کشاورزی، کمبود دارو و وسایل کار دامپزشکی، کمبود آب و کود شیمیایی و سموم از دیگر محدودیتهای مراکز خدمات به حساب می آیند.

نتیجه گیری و توصیه

بیش از یک دهه از عمر مراکز خدمات می گذرد. مراکز خدمات در طی این سالها، در جامعه روستایی کشور اثراتی را به جای گذاشته و برای خود جایگاه ویژه ای به دست آورده اند.

این مراکز در طی دوران فعالیت خود تاکنون نتوانسته اند آنچنان که پیش بینی می شد عمل نمایند. این مراکز در ایجاد تغییرات بنیادی بخش کشاورزی و مسائل جامعه روستایی و ایجاد تعدیلی محسوس در مسائل ریشه ای کشاورزی و تولیدات روستایی کشور ناتوان مانده اند. در گزارشهای تحقیقات مربوط به کشاورزی و جامعه روستایی و عشایر، کماکان از مشکلاتی سخن به میان می آید که پیش از این نیز وجود داشته است. باید گفت که مسائل حاد امروز، مشکلات جدیدی را موجب شده که عبارتند از:

۱- کمبود آب و مشکلات آبیاری.

۲- کمبود و بموقع نرسیدن نهادههای کشاورزی

۳- تقلیل و پراکندگی اراضی یا واحدهای تولیدی که باعث به هدر رفتن بازدهی ماشین آلات، آب، نیروی انسانی و غیره می شود.

۴- کمبود ماشین آلات کشاورزی و قطعات یدکی ماشین آلات موجود و عدم توزیع صحیح آنها

۵- کمبود اعتبارات بانکی کشاورزی

۶- مشکلات مربوط به فروش، بازاریابی و سودجویی واسطه ها و دلالان

۷- بازدهی کم زمینهای زیرکشت در واحد سطح

۸- وابستگی فزاینده در تولیدات کشاورزی و دامی به کشورهای دیگر.

باید متذکر شد که مراکز خدمات در حل مشکلات فوق الذکر ناتوان بوده و چون در ابتدای تأسیس با تنشهای اداری و یک سری کشمکشها مواجه بودند، جهاد سازندگی خواستار تحت پوشش قرار دادن این مراکز گردید و چون با عدم موفقیت روبرو شد، به ایجاد واحدهای جهاد دهستان پرداخت که فعالیتهای یکسان و موازی با مراکز خدمات دارند. اینجاست که برای حل و فصل امور (دامی - زراعی) جامعه روستایی و عشایری کشور، نوعی دوگانگی و حتی چندگانگی سازمانی حاکم می شود و موجب سردرگمی روستاییان و عشایر و اتلاف منابع مالی و انسانی می شود.

از سوی دیگر، تمرکزگرایی (سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) کشور در طی چندین دهه باعث شکل گیری قطبهای شهری شده است. ولیکن مناطق روستایی کشور و عشایر از این امکانات بی بهره مانده اند و یا نصیب کمی برده اند که این امر موجب خنثی کردن و بی محتوا کردن واحد تحقیقی و برنامه ریزی مراکز خدمات دهستان می شود. یعنی کارشناسان و متخصصان مسائل روستایی به لحاظ نبود یا کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و تسهیلاتی در مراکز دهستان اکثراً راغب و حاضر به کار و ماندن در این مراکز نیستند.

همچنین نظام فاسد ناکارآمد که برنامه و فعالیت مراکز خدمات را با مقرراتی دست و پاگیر مواجه ساخته، موجب به هدر رفتن منابع مالی و عدم شکوفایی استعدادهای انسانی شده است.

شاید اگر از توسعه روستا برداشتی روشن

و مدون نبود، چه بسا الگوی مراکز خدمات کشاورزی پیاده نمی‌شد. چرا که این الگو فراتر از شیوه بهبود نیازهای جامعه بوده است و نتوانسته تغییراتی بنیادی در مسائل کشاورزی و روستایی کشور به وجود آورد.

با این حال، اگر مراکز خدمات روستایی بخواهند با موانع و مشکلات برخورد نمایند باید:

- در سیاستها، خط مشی‌ها و آیین نامه اجرایی مراکز خدمات بازنگری شود و تغییرات لازم در آنها ایجاد گردد.

- با آموزش روستاییان و افزایش میزان آگاهی آنان نسبت به شورا، اهداف، وظایف و اختیارات آن و لزوم مشارکت در شورا و شرایط انتخاب شوندگان، می‌توان بی‌تفاوتی را در روستاها از بین برد و زمینه اعمال حاکمیت روستاییان را بر سرنوشت خویش هموار ساخت.

- از آنجا که شوراهای روستایی باید بتوانند وظایف و مسئولیتهای سنگینی که در آیین نامه مراکز خدمات پیش بینی شده را انجام دهند، انجام این وظایف مستلزم داشتن تجربه در امور کشاورزی و امور تولیدی مربوط به ده است، همچنین باید روستاییان را با وظایف و مسئولیتهای شورا و ویژگیهایی که اعضای شورا باید دارا باشند آشنا کرد تا افرادی به شوراها راه یابند که بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را انجام دهند.

- به منظور ایجاد هماهنگی و ارتباط متقابل بین دو شورای ده و دهستان باید ملاکهای عضویت در این شوراها هماهنگ شود و در کنار سایر ملاکهای لازم جهت عضویت در شورا به تجربه و دانش کشاورزی نیز اهمیت بیشتری داده شود.

- مراکز خدمات روستایی باید به امر آموزش، تحقیق و ترویج اهمیت بیشتری دهند و این امر مستلزم آن است که این مراکز به کادر کارشناسی مورد نیاز و سایر امکانات آموزشی مجهز شوند تا بتوانند با تشکیل کلاسهای آموزشی در فصل زمستان،

روستاییان را در زمینه‌های زراعت، باغبانی و دامداری آموزش دهند.

- با ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیریهای مربوط به کشاورزی و جلوگیری از تداخل وظایف سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار خدمات رسانی به روستاها، می‌توان امکانات دولت را به عادلانه‌ترین صورت در بین روستاییان توزیع کرد و به محور بودن کشاورزی جامعه عمل پوشاند.

- با تجهیز مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص، امکان تهیه طرحهای عمرانی در سطح دهستان میسر شده و دهستان عملاً واحد برنامه‌ریزی مستقل خواهد شد و تهیه طرحها از پایین به بالا، از قوه به فعل در خواهد آمد.

- به منظور کارایی مراکز خدمات روستایی باید با توجه به وسعت حوزه عمل مراکز و میزان محرومیت، مناطق مراکز خدمات به امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز مجهز شوند.

- در جذب و به کارگیری نیروی انسانی مورد نیاز مراکز خدمات، حتی المقدور باید سعی شود از افراد بومی استفاده شود که قادر به سکونت در مراکز دهستان باشند.

- در زمینه یکپارچگی اراضی مزروعی، مراکز خدمات باید به یکپارچگی اراضی در داخل نسق زراعی کشاورزان ادامه دهند.

- برای آنکه مراکز خدمات روستایی بتوانند به طور تمام وقت در مراکز دهستانها مستقر و آماده خدمات رسانی به کشاورزان باشند، باید مراکز دهستانها را به وسیله امکانات رفاهی مجهز ساخت تا کارکنان مراکز خدمات بتوانند در مراکز دهستانها سکونت نمایند.

- به منظور تسهیل در امر تقسیم کار از یک طرف و افزایش تجربه و مهارتهای شغلی کارکنان مراکز خدمات از طرف دیگر، ایجاد پست سازمانی و تعیین شرح وظایف کارکنان مراکز خدمات ضرورت دارد.

- اجرای به موقع طرحهای عمرانی

مستلزم آن است که مسیر طولانی رفت و برگشت طرحهای عمرانی کوتاه شده و اعتبارات تصویب شده به موقع در اختیار مراکز خدمات روستایی قرار داده شود.

● تأثیر تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی بر روی مراکز خدمات کشاورزی

مراکز خدمات کشاورزی عبارت هستند از واحدهایی اجرایی وزارت کشاورزی که وظایف مشخصی را در سطح روستاها بر عهده داشته و دارند. این مراکز تا قبل از اجرای قانون "تفکیک وظایف" مسئولیتهای زیر را در روستاها بر عهده داشته‌اند:

۱- امور زیربنایی از قبیل تسطیح اراضی، لایروبی و پوشش انهار، احداث زهکشها و غیره.

۲- امور زراعت که شامل هدایت، راهنمایی، نظارت بر اجرای کلیه امور کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی.

۳- امور باغبانی

۴- امور دام و دامپزشکی

۵- آبخیزداری

۶- آمار و اطلاعات

پس از تصویب و اجرای قانون "تفکیک وظایف"، تغییراتی در وظایف و مسئولیتهای مراکز خدمات کشاورزی به وجود آمد و در حال حاضر وظایفی که بر عهده مراکز خدمات می‌باشد، به قرار ذیل است:

۱- امور زراعت (طرح محوری گندم آبی، دیم، کشت جو و ذرت) و کلیه امور مربوط به زراعت محصولات زراعی و نهاده‌های کشاورزی

۲- امور باغبانی (احداث و احیای باغات، تهیه نهالهای مرغوب و اصلاح شده و احداث باغات به شیوه جدید)

۳- انجام امور آموزشی و ترویجی در حیطه وظایف محوله (آموزش بزرگسالان، جوانان و

وابسته‌اند.

همچنین نظر به اینکه فعالیتهای زراعت و پرورش دام و طیور در مناطق روستایی به گونه‌ای آمیخته باهم انجام می‌گیرد، فرد روستایی برای رفع نیازها و مسائل و مشکلات خود می‌باید به دستگاههای اداری مختلف مراجعه نماید و همین امر موجب دلسردی و ناراحتی او می‌گردد.

پس به نظر می‌رسد که واحد تفکیک وظایف در متن قانون، "زیربخش کشاورزی" بود به نحوی که تقسیم وظایف صورت گیرد نه تفکیک وظایف.

به هر حال به نظر می‌رسد می‌توان با الحاق تبصره‌ای به قانون فوق، برخی نکات مبهم و نارسا را روشن و کامل نمود و اشکالات و نارساییهای موجود را رفع کرد.



منابع و مأخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۲- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- ۳- ثابت قدم، مراکز که با نام مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایر تشکیل شده‌اند، سازمان برنامه و بودجه، بهمن ماه ۱۳۶۱.
- ۴- وزارت کشاورزی، ارزشیابی اثرات، خط‌مشیها و سیاستهای اجرایی مراکز خدمات کشاورزی، معاونت طرح و برنامه، مهرماه ۱۳۶۶.
- ۵- وزارت کشاورزی، ارزشیابی مراکز خدمات شهرستانهای بابل، گیلان، خراسان، بروجرد، جیرفت، معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی.
- ۶- وزارت کشاورزی و عمران روستایی، اهداف، سیاستها و برنامه تشکیل و فعالیت مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری، بی‌تا.

متذکر شد که با توجه به اینکه اکثر روستاییان، کشاورز و دامدار هستند و از آموزشگر روستاییان انتظار می‌رود که در زمینه مسائل مربوطه توأمأ پاسخگو باشد، ولی این امر با توجه به "تفکیک وظایف" به صورت جداگانه انجام می‌شود و این باعث سردرگمی روستاییان می‌گردد. این اشکال در عرصه‌های تحقیقات و ترویج نیز به همین صورت بروز خواهد نمود.

ج) قانون تفکیک وظایف از جنبه یگانگی مدیریت و خط‌دهی به بعضی از امور کشاورزی دارای اثرات مثبتی بوده و از موازی‌کاریها و دوباره‌کاریها و اتلاف منابع در این زمینه جلوگیری نموده است. ولی علی‌رغم این امر، اثرات منفی را نیز به دنبال داشت. زیرا که دو دستگاه اجرایی کارهای مختلف یک بخش را انجام می‌دهند و "بخش کشاورزی" بین دو دستگاه تقسیم شده است. در حالی که، اموری مثل زراعت، دام و طیور، منابع طبیعی و آب و خاک کاملاً به یکدیگر

زنان روستایی و احداث مزارع نمایشی)
۵- واگذاری زمین از طریق کمیسیونهای مواد
۳۱ و ۳۲

پس از اجرای قانون تفکیک وظایف، امور مربوط به منابع طبیعی، شیلات، دام و طیور و دامپزشکی از مراکز خدمات کشاورزی جدا شد و کلیه کارکنان و پرسنل و امکانات به وزارت جهاد سازندگی منتقل گردید.

در یک ارزیابی کلی در زمینه بررسی تأثیرات تفکیک وظایف به مراکز خدمات، می‌توان به این نکته اشاره نمود که این قانون تأثیرات مثبت و منفی را به دنبال داشته که مهمترین تأثیرات آن عبارت‌اند از:

الف) در زمینه "زراعت" می‌توان ادعا نمود که نظر به اینکه کلیه امور مربوط به زراعت به وزارت کشاورزی و مراکز خدمات محول گردید، این اقدام برای رفع مسائل و مشکلات کشاورزان و حرکت به سمت توسعه کشاورزی اقدام مناسبی بوده است.
ب) در زمینه آموزش روستاییان می‌باید